



ادبی

فرهنگی

صنفی

در این شماره می‌خوانید:

صورت جلسه ماه سپتامبر ۲۰۱۵

از ماست که بر ماست

ریشه ضرب‌المثل

در باره بیماری‌های زبان

موسی معروفی: نغمه‌سرای دوران حزن

شناخت شخصیت‌ها

انجمن تاکسیران یک انجمن مستقل و دموکراتیک، صنفی و فرهنگی است
«ماهنامه انجمن»، زیر نظر هیئت مدیره انجمن تاکسیران

صورت جلسه ماه سپتامبر ۲۰۱۵

جلسه ماه سپتامبر با خوشامدگویی سخنگوی هیئت مدیره و با آرزوی اینکه تعطیلات تابستانی به کلیه اعضای محترم انجمن به خوبی و خوشی سپری شده باشد، شروع شد. سخنگوی هیئت مدیره توضیح داد که جلسه این ماه در واقع جلسه مجمع عمومی فوق العاده می باشد که برای تکمیل و تغییر و اضافه کردن برخی از موارد آئین نامه داخلی انجمن می باشد. ناگفته نماند که شرط رسمی شدن این جلسه یعنی مجمع عمومی فوق العاده، حضور نصف به علاوه یک اعضا می باشد که در حال حاضر به این حد نرسیده ایم.

سپس مسئول انجمن دلایل برگزاری مجمع عمومی فوق العاده را این چنین توضیح داد، به علت اینکه تعدادی از اعضا که درخواست وام می کنند در شرایط نامطلوبی قرار دارند و از نظر ودیعه و حق عضویت دارای تأخیرهای طولانی مدت می باشند. هیئت مدیره امسال برای برابری مابین اعضا و تشویق آنها به رعایت قواعد و مقررات آئین نامه داخلی از جمله پرداخت ماهیانه حق عضویت و ودیعه و همچنین حضور هر چه بیشتر اعضا در جلسات عمومی ماهانه انجمن، تصمیم گرفته شد که برخی از پندهای آئین نامه داخلی انجمن را بخصوص در مورد اعطاء وام و اینکه حقی از عضو ضایع نشود، تغییراتی ایجاد کند. در ادامه، مسئول انجمن اظهار داشت که از ماه آینده ثبت نام کاندیدهای هیئت مدیره برای سال آینده شروع خواهد شد و از اعضای محترم انجمن درخواست کرد که در این امر مهم بطور فعالانه شرکت گسترده داشته باشند.

در ادامه جلسه و حضور افراد تازه وارد به جلسه مجمع عمومی فوق العاده، تعداد افراد به حد نصاب رسید و جلسه مجمع عمومی رسمیت پیدا کرد و مسئول انجمن از اعضای حاضر در جلسه درخواست کرد که داوطلب مدیریت مجمع عمومی فوق العاده بشوند که اعضای زیر مسئولیت مجمع را به عهده گرفتند:

۱- یعقوب موسوی؛ ۲- رحمت؛ ۳- مهرداد اجلال منش؛ ۴- مجید حضرتی؛ ۵- جواد آرناظر.

مجمع عمومی فوق العاده بلافاصله شروع به کار کرد و اولین پیشنهاد در باره وام مورد بررسی قرار گرفت.

پیشنهاد اول: «حداکثر مبلغ وام برای هر عضو انجمن معادل دو برابر ودیعه متقاضی وام می باشد». این پیشنهاد شامل کلیه وام ها، اعم از معمولی و اضطراری می باشد و در سطح انجمن کلاً هر نوع وامی که به اعضای

انجمن اعطاء می شود حداکثر معادل دو برابر ودیعه عضو می باشد، در ضمن تبصره ای در این بند وجود دارد که این بند شامل اعضایی که برای خرید اولین لیسانس خود تقاضای وام از انجمن می کنند نمی باشد و مبلغ وام به این اعضا حداکثر تا سقف ۳۰۰۰ یورو می باشد.

اعضای حاضر در جلسه نظرات خود را به صورت موافق و مخالف این پیشنهاد این چنین بیان کردند:

- بهتر است برای پیاده کردن این طرح زمان کافی به اعضا داده شود و این طرح برای مثال در یک سال بعد از تصویب قابل اجرا باشد تا اعضای انجمن بتوانند مبلغ ودیعه خود را به حد نصاب برسانند.

- شرایط و قواعد برای دریافت وام بیشتر شود و افراد جدیدی که عضو انجمن می شوند برای تقاضای وام باید از سابقه بیشتری مثلاً دو سال برخوردار باشند.

- اعطای وام معادل دو برابر ودیعه پیشنهاد درستی نیست و ناعادلانه می باشد. پیشنهاد می کنم که بصورت زیر این بند اصلاح شود: اعضایی که زیر ۷۵۰ یورو ودیعه دارند تا سقف ۱۵۰۰ یورو وام به آنها تعلق بگیرد و اعضایی که بالای ۷۵۰ یورو ودیعه دارند از وام ۳۰۰۰ یورویی بهره مند شوند.

- مسئله حد نگه داشتن و حق داشتن از مزایای انجمن و مخصوصاً وام، تولید نابرابری بین اعضا انجمن به حد زیادی کرده است. برای مثال اعضایی هستند که ۱۰ سال عضو انجمن هستند ولی مبلغ ودیعه آنها ۲۰۰ یورو می باشد و همین اعضا با بقیه که همیشه حاضر بوده اند و عقب ماندگی از جهت ودیعه و حق عضویت ندارند، برای دریافت وام یکسان با آنها عمل می شود.

- کافی است که در انجمن ۲ یا ۳ عضو غیر متعهد باشد می توانند با دریافت وام و عدم پرداخت بموقع، به صندوق انجمن ضربه وارد کنند ولی با این طرح ضرر به انجمن به حداقل می رسد زیرا که ۵۰ درصد وام اعطاء شده به عضو، در نزد انجمن به صورت ودیعه می باشد.

- تعداد اعضایی که وام انجمن را پس نداده اند در چند سال اخیر بسیار کم و ناچیز در حدود ۳ تا ۵ درصد اعضا می باشد بهتر است مبلغ وام به همان شکل قبلی باقی بماند.

- بهتر است شرایط اعطاء وام را سخت تر کنیم و بطور دائمی هر ماه چک های اعضای وام گیرنده به حساب گذاشته شود.

- این پیشنهاد هیچ نفع و استفاده ای برای اعضا ندارد و حتی ضایع کردن اعضا انجمن می باشد. اگر

سینه شد و او را به زمین انداخت. تکه چوبی بر چشم او فرو رفت و او را کور کرد. او نیز نالان و خونریزان به جمع متعاقبان پیوست.

مرد گریزان به ستوه از این همه، خود را به خانه قاضی رسانید که پنجاه ده، قاضی در آن ساعت با زن شاکی خلوت کرده بود. چو رازش را دانست چاره رسوایی را در طرفداری از او یافت و وقتی از حال و حکایت او آگاه شد، مدعیان را داخل خانه خواند.

نخست از یهودی پرسید، یهودی گفت این مسلمان چشم مرا نابینا کرده است. قصاص طلب می‌کنم. قاضی گفت دیه مسلمان بر یهودی نصف بیشتر نیست، باید آن چشم دیگر را نابینا کند تا دیه کامل پرداخت کند. یهودی سود خود را در انصراف دید و به پنجاه دینار جریمه محکوم شد.

جوان پدر مرده را پیش خواند و به او گفت پدرت بیمار بود و ارزش زندگی بیمار نصف ارزش شخص سالم است. حکم عادلانه این است که پدر ضارب را زیر همان دیوار خوابانده و تو روی آن فرود آیی بطوریکه نیم جانش را بگیری. جوان صلاح دید که گذشت کند اما به سی دینار برای شکایت بی‌مورد محکوم شد. چون نوبت به شوهر آن زن رسید که از وحشت بجاش را سقط کرده بود، گفت قصاص شرعی هنگامی جایز است که راه جبران مکافات بسته باشد. حال می‌توان آن زن را به حلال به عقد و ازدواج این مرد درآورد تا کودک از دست رفته را جبران کند. برای طلاق آماده باش... مردک فریاد زد و با قاضی جدال کرد که ناگاه صاحب خر برخاست و به طرف در دويد. قاضی فریاد داد ای مرد بایست اکنون نوبت توست. صاحب خر همچنان که می‌دويد فریاد زد من شکایتی ندارم! می‌روم مردانی بی‌اوم که شهادت دهند خر من از کره گمی دم نداشت.

ریشه ضرب‌المثل

«تعارف شاه‌العظیمی»

قدیم‌تراها که تهرانی‌ها با ماشین دودی به زیارت شاه عبدالعظیم می‌رفتند، پول رفت و برگشت ماشین دودی را باید اول پرداخت می‌کردند. بخاطر همین بود که اهالی شهر ری که مطمئن بودند تهرانی‌ها چون پول بلیط برگشت را قبلاً داده‌اند حتماً برمی‌گردند، الکی تعارف می‌کردند که تورو خدا شب پیش ما بمونید. از آنجا تعارف شاه عبدالعظیمی ضرب‌المثل شد.

کلمه‌های معرب در نوشته‌های فارسی، که تا به امروز معمول و شایع می‌باشد، غلط‌های محض است. کسروی در باره ارتباط نام تهران با شمیران، پژوهش‌های دیگری دارد و بدین نتیجه رسیده است که تهران یا «تهرام» (تارم، کهران، گهران، گهرام، جهرم) به معنای مناطق گرمسیر و شمیران یا شمیرام، شمیرم، شمیلان، سمیران، سمیرم به معنای مناطق سردسیر است.

ناگفته نماند که پیش از دو تن یاد شده، نخستین بار اعتضادالسلطنه نیز به گونه‌ای که شهرت هم یافته در این باب اظهار نظر کرده و چنین گفته است: «چون اهل آن جا «تهران» در وقتی که دشمن برای آنها به هم رسید در زیر زمین پنهان می‌شدند، از این جهت به این اسم مرسوم شده است که به «ته ران» یعنی زیر زمین می‌رفته‌اند.

در مورد تهران و شمیران، میرزا تقی دانش هم اظهار نظر کرده است:

نام تهران زان که ته ران بوده‌اند

بیم خصم اندر زمین بغنوده‌اند

دان شمیران ایران بوده است

هان نپندار که ویران بوده است

تهیه و تنظیم: فرشید

XXXXXXXXXX

ریشه ضرب‌المثل

خر ما از کره گمی دم نداشت

مردی خری دید که در گل گیر کرده بود و صاحب خر از بیرون کشیدن آن خسته شده بود. برای کمک کردن دم خر را گرفت و زور زد. دم خر از جای کنده شد. فریاد از صاحب خر برخاست که تاوان بده.

مرد یا به فرار گذاشت. به کوچه‌ای دويد که بن‌بست بود. خود را در خانه‌ای انداخت. زنی آنجا کنار حوض نشسته بود و چیزی می‌شست. زن حمله بود و از فریاد و صدای بلند در ترسید و بجاش سقط شد. صاحبخانه نیز با صاحب خر همراه شد. مرد گریزان بر روی پام خانه دويد. راهی نیافت. از بام به کوچه‌ای فرود آمد که در آن طبیبی خانه داشت. جوانی پدر بیمارارش را در انتظار نوبت در سایه دیوار خوابانده بود. مرد بر آن پیرمرد افتاد چنانکه پیرمرد بیچاره در جا مرد. فرزند آن پیرمرد نیز همراه صاحب خر و شوهر زن شد. مرد در حین فرار در سر پیچ کوچه با یهودی رهگذر سینه به

باشد. این اندازه غیرطبیعی نشان می‌دهد که غده تیروئید به اندازه کافی هورمون تیروئید ترشح نمی‌کند که در نتیجه سوخت و ساز بدن را با مشکل روبرو ساخته و سطح انرژی بدن را کاهش می‌دهد.

۴ - شکاف خوردن زبان. اگر متوجه شکاف عمیق و یا خطوطی بر سطح و یا کنار زبانتان شدید شما احتمالاً به اختلال خود ایمنی دچار شده‌اید.

۵ - سفید شدن زبان. این علامت نیز خبر از عفونت‌های باکتریایی دارد که به تولید باکتری در سطح زبان منجر شده است.

۶ - زخم‌های مداوم. پزشکان در خصوص علت بروز این زخم‌ها اصطلاحاً «افت» نامیده می‌شوند و بسیار دردناک هستند به نتایج دقیق نرسیده‌اند اما در برخی موارد این زخم‌ها می‌توانند علائم استرس و مصرف غذاهای تند باشد.

بدن ما همواره نشانه‌هایی را برای اعلام بیماری و مشکلاتی که در سلامتی اثر گذارند از خود بروز می‌دهد. این نشانه‌ها شامل خارش، درد یا بوی نامطبوعند که با بررسی این نشانه‌های روی زبان می‌توان بیماری و علائم آنرا تشخیص داد.

این روش عمدتاً در چین استفاده می‌شود ولی دکتر محله ما به چین هم ترفته بود و از این روش برای درمان بیماران استفاده می‌کرد.

موفق و پیروز باشید.

داود

XXXXXXXXXX

موسی معروفی: نغمه‌سرای دوره حزن

هفتم شهریورماه سال ۱۳۴۴ (تولد ۱۲۶۸) مردی دل به خاک داد که تلاش‌هایش در حفظ و نگهداری از ردیف موسیقی ایرانی نامش را همه‌گاه بر تارک موسیقی سنتی ایران نشانده است: موسی معروفی.

او علاوه بر نوازندگی با تار و سه‌تار با پیانو هم آشنایی داشت و به رغم ذوق تصنیف‌پردازی و نوا سازی نزدیک به سه دهه از عمر خود را صرف گردآوری و نت کردن گوشه‌های موسیقی با روایت‌های مختلف کرد تا حاصل آن کتابی شود که نام ردیف هفت دستگاه موسیقی ایران را بر خود گرفت. این کتاب به کوشش مهدی برکشلی در اوایل دهه ۴۰ منتشر شد و تا به امروز یکی از جامع‌ترین کتاب‌ها در زمینه ردیف موسیقی ایرانی به شمار می‌آید.

ریشه ضرب‌المثل

«جور کسی را کشیدن»

مفهوم این کنایه همان طور که می‌دانید یعنی مشکل کسی را به دوش کشیدن است. اما در واقع جور در این ضرب‌المثل به معنای ستم نیست.

جور در واقع یکی از خط‌های جام باده‌نوشی در زمان‌های قدیم بوده است.

جام‌های شراب در زمان ایران باستان دارای هفت خط بوده. نام هر خط به این شرح است:

۱ - مزور، ۲ - فرودینه، ۳ - اشک، ۴ - ازرق، ۵ - بصره، ۶ - بغداد، ۷ - جور.

پس جور بالاترین خط جام بوده و بطور کلی کسی را که شراب‌نوش قهار و حرفه‌ای بود هفت خط می‌نامیدند و اگر کسی در باده‌نوشی به مرحله هفت خط نرسیده بود و از روی غرور می‌خواست ساقی برایش تا خط جور شراب بریزد و معلوم بود که درمانده می‌شد، در آنصورت دوستانش به خاطر حفظ آبرو و جلوگیری از ضایع شدن او جور او را سر می‌کشیدند.

از کتاب کوچه احمد شاملو

جمع‌آوری از صفا

XXXXXXXXXX

در مورد بیماری‌های زبان

چندی پیش در مطالعات به مطلبی برخورد کردم در مورد تشخیص بیماری‌ها از روی زبان خلاصه‌ای از آن تهیه کردم که امیدوارم مورد پسند واقع شود.

۱ - صاف بودن زبان. زبان معمولاً سطح ناهموار دارد. پزشکان معتقدند هموار و صاف بودن سطح زبان و رنگ‌پریدگی آن خبر از کمبود ویتامین B12 و کمبود آهن می‌دهد.

۲ - سیاه یا پرزدار شدن غیرعادی سطح

زبان. سیاه شدن زبان به این معنی است که بهداشت و سلامتی کل بدن شما نیازمند یک بازنگری است، چرا که بهداشت و سلامت پائین بدن خطر ابتلا به بیماری را افزایش می‌دهد. سیاهی زبان همچنین از نشانه‌های عفونت قارچی است که با ایجاد اختلال در سیستم ایمنی بدن، موجب بروز بیماری‌هایی همچون دیابت (مرض قند) می‌شود.

۳ - بزرگ شدن غیرطبیعی زبان.

اگر احساس می‌کنید که زبانتان متورم شده یا به نظر بزرگ می‌رسد، این مسئله می‌تواند نشانه کم‌کاری تیروئید

وزیری است. شاید اگر او تمرکزی را که بر گردآوری ردیف موسیقی ایرانی و آموزش تار گذاشت، صرف سراییدن و کار خلاقه می‌کرد، آثاری بیشتر از او به یادگار می‌ماند.

آهنگ مرغ حق در نغمه دشتی با صدای بنان و رهبری و تنظیم روح‌الله خالقی روی شعری از رهی معیری ساخته شد و ابتدا در گل‌های رنگارنگ برنامه شماره ۲۳۰ اجرا شد و بعدها در آلبوم شاخه گل ۱۰ در کنار دو ساخته معروف خالقی (ای ایران) با صدای بنان در یک مجموعه منتشر شد. برخلاف موسم گل که بعدها توسط خوانندگان دیگری خوانده و تنظیم شد، از این قطعه تقریباً اجرای معروف دیگری شنیده نشده است.

موسم گل شاید معروف‌ترین قطعه‌ای باشد که از موسی معروفی به جا مانده است و شهرت آن با تصنیف مرغ سحر مرضی نی‌داوود پهلوی می‌زند. او این تصنیف را براساس ملودی‌ای مازندرانی در نغمه دشتی روی شعری از وحید دستگردی ساخته و قمرالملوک وزیری نخستین بار آن را در سال ۱۳۱۹ خواند.

بعدها جواد معروفی (فرزند موسی معروفی و آهنگساز و نوازنده نامی پیانو) تنظیمی از این کار با ارکستر گل‌ها در گل‌های شماره ۴۲۳ با صدای پوران اجرا کرد که آن هم زیبا و شنیدنی است. پوران به خوبی توانسته حس کار را انتقال دهد اگرچه اختلافاتی در این تنظیم با آنچه که قمر و دیگر خوانندگان خوانده‌اند وجود دارد که گوش حرفه‌ای به راحتی آن را تشخیص می‌دهد. ضمن آنکه معروفی آواز میانه تصنیف را حذف و تنها بخش ضربی آن را برای خواندن پوران در نظر گرفته است. بعدها محمدرضا لطفی که بخشی از تلاش‌هایش بازسازی آثار گذشتگان بود، با بهره‌گیری از صدای هنگامه اخوان و تنبک بیژن کامکار این قطعه را بازسازی کرد. برای شعر آواز (گوشه لوج یا عشاق در دشتی) آقای لطفی یک رباعی از خیام با مطلع «بهر آمد و باز بر سر سبزه گریست» را انتخاب کرد.

اجرای لطفی را می‌توان وفادارترین اجرا به اصل اثر به شمار آورد، بخصوص که با شناختی که لطفی از جنس صدای قمر و تکیه‌ها و تحریرهای این آوازخوان افسانه‌ای داشت، خواننده‌ای را برای این کار انتخاب کرد که ساختار و قدرت حنجره او

معروفی ابتدایات نوازندگی سه‌تار را نزد یوسف صورتگر، عکاس دربار ناصری آموخت، ردیف را نزد میرزا حسینقلی قرا گرفت و برای ارتقای مهارت نوازندگی تار و سه‌تار نزد غلامحسین درویش رفت. مهارت و تکنیک بالای او در نواختن تار سبب شد تا درویش‌خان نشان تبریزین زرین را به او بدهد.

بعدها نزد علینقی وزیری نیز تکنیک‌های تار نوازی را فراگرفت که تأثیرات آن در نوازندگی معروفی مشهود است. در کنار آن نزد حسین خان هنگ‌آفرین خط نت یاد گرفت. نت‌نگاری به او این توانایی را بخشید که برخی از آثار مهم موسیقی را به نت درآورد که نت کردن ردیف هفت دستگاه و نیز کتاب آموزش تار و سه‌تار اول و دوم هنرستان از جمله آنها است.

موسی معروفی از جمله نوازندگانی بود که به نوشته حسن مشحون در کتاب تاریخ موسیقی ایران با «شروع کار فرستنده رادیو در سال ۱۳۱۹ به اجرای موسیقی در رادیو پرداختند». او در کنار دیگرانی چون صبا، محجوبی، قمر، شهنازی و نی‌داوود و... آثاری درخشان را نواخت. اگرچه از اجراهای این دوران به دلیل عدم امکان ضبط تقریباً کمتر اثری باقی مانده است اما آوازهایی که از دوران اوج صدای ادیب خوانساری یا تار معروفی به جای مانده احتمالاً به همین دوره مربوط است.

از جمله این آثار می‌توان به آواز در بیات ترک با شعر مجمر (شاعر دوره فتحعلی شاه قاجار) با مطلع «تو اگر صاحب نویی و اگر ضارب نیش» و یا آوازی در نغمه اصفهان با شعری از سعدی اشاره کرد.

این آواز با ضرب پر قدرت موسی خان معروفی آغاز می‌شود و در ادامه با صدای جا افتاده و منحصر به فرد ادیب و آن هم صدای دوره اول او (جوانی و میانسالی) همراه می‌شود. جواب آوازهای معروفی دقیق، تکنیکی و در خدمت فضای شعر و آواز است و از مهارت و دانش او در ردیف آوازی و جواب آوازا خیر می‌دهد.

تصنیف ماندگار موسم گل

معروفی علاوه بر تعلیم تار به شاگردان هنرستان موسیقی در نوا سازی نیز صاحب ذوق و قریحه بود و برخی از قطعات خاطره‌انگیز از او به یادگار مانده است که از جمله معروف‌ترین آنها دو تصنیف مرغ حق با صدای بنان و موسم گل با صدای قمرالملوک

در مقدمه کتاب که توسط مهدی برکشلی تدوین شده است، آمده که این ردیف بر «ردیف میرزا عبدالله و افاحسینقلی استوار است» و با «ردیف تنظیم شده توسط مهدی قلی هدایت منطبق شده است».

تلاش‌های معروفی در تدوین و انتشار آثار موسیقایی به این ردیف منحصر نماند، او با همراهی نصرالله زرین‌پنجه و به تشویق روح‌الله خالقی و علینقی وزیری مجموعه کتاب‌های آموزش تار و سه‌تار هنرستان را نت‌نویسی کرد که با تنظیم و تدوین خالقی منتشر شد.

این کتاب به رغم گذشت چندین دهه از انتشار آن همچنان به عنوان یکی از مهمترین منابع در تدریس تار و سه‌تار و حتی سازهای دیگر به کار می‌رود. نگاهی به کارگان (رپرتوار)‌های انتخاب و چیده شده در این دو کتاب از تنوع و گوناگونی قطعات و نیز توجه به موسیقی مناطق مختلف و ردیفی ایران خبر می‌دهد.

به اشتراک گذاشته شده از سایت بی‌بی‌سی زهره



در شناخت شخصیت‌ها:

لافایت (۱۸۳۴-۱۷۵۷ La Fayette)

ماری ژوزف مارکی دو لافایت، ژنرال و سیاستمدار، یکی از چهره‌های جالب و استثنائی فراتسه است و با اینکه در یک خانواده اشرافی متولد شد ولی او یک آریستوکرات لیبرال بود که از نحوه کشورداری دربار آن زمان ناخرسند بود و در راستای رژیم سلطنتی مدرن تلاش کرد. در جوانی به کمک استقلال‌طلبان امریکا بر علیه استعمار انگلستان شتافت و بعنوان یک نظامی در جنگ‌های مختلف فرانسه در دفاع از کشورش شرکت نمود و حتی در زمان انقلاب بعنوان نماینده مجلس در پیشنهاد «اعلامیه حقوق انسان و شهروند» که به تاریخ ۲۶ اوت ۱۷۸۹ توسط مجمع ملی مؤسسان به امضاء رسید نقش داشت که بعدها (۱۷۹۳) نسخه دوم و طولانی‌تری از این اعلامیه به اجرا گذاشته شد.

لافایت ششم سپتامبر ۱۷۵۷ در کاخ Chavagnac در منطقه Auvergne چشم به جهان گشود. در کودکی والدین خویش را یکی بعد از دیگری از دست داده و در دوازده سالگی یتیم شد. سپس تحت سرپرستی عمویش که یک نظامی عالی‌رتبه

شباهت‌های کم‌نظیری به صدای قصر داشت. خواننده‌ای که بعد از این اثر و به دلیل محدودیت‌هایی که برای صدای زنان در ایران بوجود آمد، عملاً نتوانست کار درخور اعتنایی عرضه کند.

تنظیم محمدرضا درویشی با همراهی ارکستر سمفونیک تهران از این اثر نیز از جمله اجراهای بیاد ماندنی این اثر است. درویشی برای خوانندگی این اثر به سراغ ایرج بسطامی رفت که صدایی چپ کوک داشت و توانست از این ویژگی صدای بسطامی نهایت استفاده را ببرد تا یادآوری صدای قصر را در دوره‌ای بکند که صدای زن در ایران ممنوع بوده و هنوز هم ممنوع است.

کتاب ردیف هفت دستگاه: یادگار چند دهه

تلاش

آنچنانکه در مقدمه کتاب ردیف هفت دستگاه موسیقی ایرانی آمده است «بیش از ۵ دهه پیش گروهی از اساتید برجسته موسیقی ایران به دعوت اداره هنرهای زیبا جلساتی را برگزار کردند» تا به یک وحدت رویه در انتشار ردیفی جامع از موسیقی سنتی ایران برسند.

در این جلسات چهره‌هایی چون ابوالحسن صبا، نورعلی خان برومند، علی اکبرخان شهنازی، رکن‌الدین مختاری و احمد عبادی و موسی معروفی حضور داشتند که در نهایت و بعد از یک و نیم سال مباحثه اتفاق نظری میان این افراد در «زمینه نام و روند گوشه‌ها و چگونگی فرودها» برای انتشار ردیفی واحد حاصل نمی‌شود و کار بی‌نتیجه می‌ماند.

از این مجموعه نشست اما یک نتیجه به دست می‌آید که هر کسی از این اساتید ردیف خود را منتشر و سپس در شورایی فنی این ردیف‌ها تجزیه و تحلیل شود.

از میان این جمع موسی خان معروفی بیش از دیگران دغدغه این کار را داشت. او پیش از این هم با همکاری لطف‌الله مخفخم پایان و محمد بهارلو و با انگیزه بالای شخصی به گردآوری و ثبت و ضبط آثار گذشتگان و از جمله ردیف پرداخته بود. آقای معروفی توانست محفوظات خود و نیز آنچه از دیگران اخذ کرده بود را در کتابی گردآوری و نت‌نویسی کند و در نهایت با تار سلیمان روح‌افزا آنها را منتشر سازد. این که چرا اجرای ردیف را خود معروفی با تار خود انجام نداد از جمله پرسش‌های اهل موسیقی است.

البته در طول صد روز (Cents jours) یعنی از بیست مارس تا بیست و دوم ژوئن ۱۸۱۵ (بازگشت ناپلئون و دومین برکناریش بعد از واترلو) او عضو نمایندگان مجمع و موافق برکناری ناپلئون از قدرت بود.

در سال ۱۸۱۸ بعنوان نماینده Ja Sarthe، او رئیس اپوزیسیون لیبرال هاست و در سال ۱۸۲۷ نماینده Meaux، دوباره فرماندهی گارد ملی را به اصرار قبول می‌کند و بالاخره با روی کار آمدن Louis-Philippe او همچنان در اپوزیسیون بود و بسال ۱۸۳۴ در پاریس قوت کرد. او در قبرستان Picpus در محله دوازده پاریس دفن شده است.

رسول



اطلاعیه

جلسه عمومی انجمن تاکسیران، اولین دوشنبه هر ماه ساعت ۱۹:۰۰ در رستوران K'SI برگزار می‌گردد. 59, bd Paul Vaillant Couturier 94200 Ivry-sur-Seine

حضور در جلسه عمومی انجمن تاکسیران، برای کلیه همکاران (عضو و غیر عضو) آزاد می‌باشد.

دعوت به دومین جلسه

مجمع عمومی فوق العاده انجمن تاکسیران

از کلیه اعضای انجمن دعوت می‌کنیم که در دومین جلسه عمومی مجمع فوق العاده انجمن که در ماه اکتبر برگزار می‌گردد شرکت فعالانه نمایند.

زمان: دوشنبه ۵ ماه اکتبر

مکان: Restaurant K'SI

ساعت شروع جلسه: ۱۹:۳۰

دستور جلسه:

۱- سخن هیئت مدیره

۲- بحث و بررسی پیرامون تفسیر و تکمیل و اضافه نمودن مواردی به آئین نامه داخلی انجمن

۳- بحث آزاد

حضور فعال شما به غنی کردن جلسه مجمع عمومی فوق العاده می‌افزاید.

موفق و پیروز باشید

هیئت مدیره انجمن تاکسیران

دربار بود قرار گرفت. وی تا سال ۱۷۷۱ در مدرسه لوئی لوگراند تحصیل کرد و در عین حال به دانشکده نظامی ورسای نیز رفت و آمد داشت و با آدم‌های مختلف آشنا شد بطوریکه این محیط برای او همچون پناهگاه خانوادگی دوم گشت.

لافایت در سال ۱۷۷۴، در هفده سالگی با مارتین آدرین (M. Adrienne) دختر duc d'Ayen یکی از ثروتمندان آنزمان، ازدواج کرد که ثمره‌اش چهار فرزند بود. بدین طریق پایش بیشتر به دربار باز شد ولی کلاً جو دربار چندان برایش محیط دلپذیری نبود. در نتیجه وقت و انرژی‌اش را بیشتر به کسب فنون و قوانین نظامی صرف نمود و از آنجائی که ارث کلاتی از خانواده و عمویش برایش رسیده بود، آنموقع او یکی از ثروتمندترین مردان فرانسه شد، ثروتی که به او اجازه می‌داد امکانات و خرج مسافرت‌اش را همراه چندین دوست و نظامی دیگر برای کمک به استقلال طلبان امریکا تدارک ببیند.

با ورود به امریکا او ارتباطاتش را گسترش داده و حتی در چندین نبرد شرکت می‌کند و مجروح می‌گردد. دو سال بعد یعنی ۱۷۷۹ او با جلب موافقت رسمی دربار و کسب امکانات بیشتر دوباره عازم امریکا می‌شود و فرماندهی سپاه منافع ویرجینیا را به عهده می‌گیرد و منطقه یورکتاون را در سال ۱۷۸۱ آزاد می‌سازد و با جورج واشنگتن (قهرمان استقلال، رئیس جمهور امریکا) ملاقات می‌کند و مدال و ملیت افتخاری امریکا به او اهدا می‌شود.

در برگشت به فرانسه، او شهرتی کسب کرده و جزء نماینده اشرف در مجمع طرفداران پادشاهی (États généraux) می‌شود و در ژوئیه ۱۷۸۹ بعنوان فرمانده گارد ملی انتخاب می‌گردد. اوج محبوبیت او زمانی است که شاه زندانی شده را پس از قرار به وارن تسلیم کرده و در جشن چهارده ژوئیه ۱۷۹۰ شرکت می‌کند. با این همه انقلابیون وی را بخاطر صدور فرمان آتش (ژوئیه ۱۷۹۱) به روی تظاهرکنندگان در Champ-de-Mars نمی‌بخشند.

ژنرال لافایت همچنین در مقام فرمانده نظامی در عقب راندن نیروهای خارجی نیز موفقیت‌هایی داشته ولی در یکی از نبردها در اتریش گرفتار شده و تقریباً پنج سالی در اسارت می‌ماند (۱۷۹۷) و پس از آزادی تا Restauration (رژیم سیاسی حاکم بر فرانسه ۱۸۱۴-۳۰) از سیاست کناره‌گیری می‌کند.